



اضافاتی بر کتاب عربی ۱

(قسمت اول)

شامل:

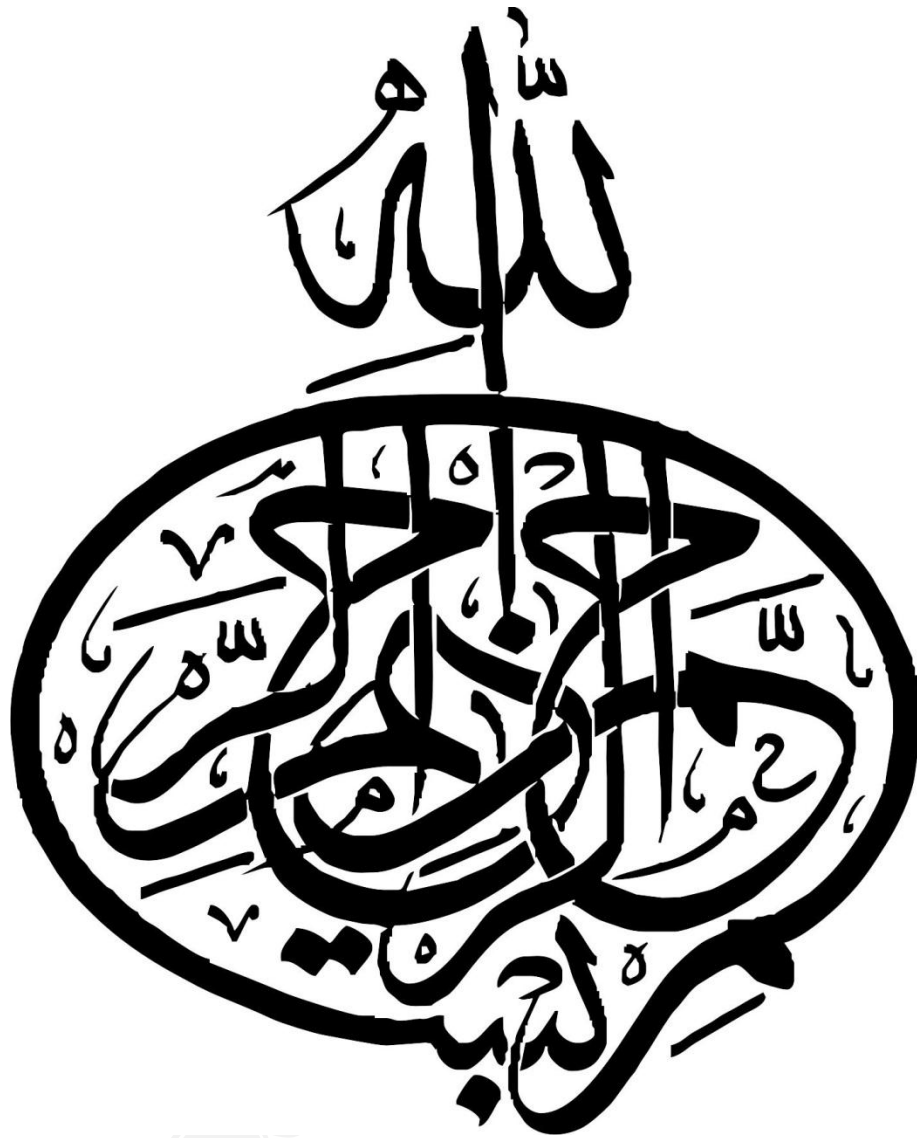
بررسی کلمات و اصطلاحات مهم

توضیح قواعد

تکمیل ترجمه ی فارسی

تمرینات اضافی

تهیه و تنظیم : ابراهیم میرکاظمی



الدرس الاول

کلمات و اصطلاحات مهم

هَبْ: فعل امر از « وهب »: ببخش ، عطا کن، مترادف « آتِ و أعطِ » / حُكْمًا: حکمت . دانش / أَلْحَقْنِي: مرا ملحق کن ، مرا برسان، فعل امر از فعل « أَلْحَقَ » / قَوَّ: توانمند کن، قوی کن، فعل امر از فعل « قَوَّى » / أَشَدُّ: استوار گردان، محکم گردان، فعل امر از ریشه ی «شَدَّ» / العزيمة: اراده ی قوی جمع: عزائم/الجوارح: ج « الجارحة»: اعضای بیرونی بدن/ الجوانح: ج «الجانحة» ، اعضای درونی بدن/نصبْتُ: قرار دادم مترادف «جعلْتُ، وضعتُ»/سابغ النِّعم : کسی که فراخی نعمت را به کمال رسانده، کامل کننده/ النِّعم: ج: النعمة/ النِّقم: بلاها ، مصیبت ها ج « النِّقمة » متضاد « النِّعمة »/أهل: شایسته/ إفعل بی: با من رفتار کن، برای من انجام بده، مترادف « إعمل »/ الوجه: صورت ج «الوجوه» ترجمه را کامل کنید:

پروردگارا:

به من ببخش و مرا به

پروردگارا ، مرا برای خدمت به خودت و مرا برای برخورداری از ، استوار بدار (یاری کن) .

پروردگارا (فقط)را به سویی تو و ای پروردگار من ، (تنها) به سویی تو

ای کسی که را به کمال داده است و ای بر محمد و خاندان محمد و چنان که تو

سؤال اول : به فارسی روان ترجمه کنید:

- ۱- یا سَابِغِ النِّعمِ إفعل بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.
- ۲- أَشَدَّدْ عَلَى الْعِزيمةِ جَوَانِحِي.
- ۳- یا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي.
- ۴- هَبْ لِي حُكْمًا و أَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ.
- ۵- لَا تَنْبَحِثْ عَنْ غُیُوبِ النَّاسِ.
- ۶- الْعِلْمُ یَحْرُسُکَ و أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ.
- ۷- رَبَّنَا إِلَیکَ نَصَبْنَا وُجُوهَنَا.

۸- الله دافع النِّقَم فاليه مددت يدي .

سؤال دوم: عَيِّن الترجمة الصحيحة:

۱- لاتعبدوا إلا الله.

الف: جز خدا را عبادت نمی کنید. □ ب: جز خدا را عبادت نکنید. □

۲- المؤمن لايلبس الحق بالباطل.

الف: ای مؤمن حق را با باطل میامیز. □ ب: مؤمن حق را با باطل نمی آمیزد. □

سؤال سوم: صحح الاخطاء في الترجمة.

سيجعل الله بعد عسر يسرا. خداوند پس از سختی ها آسانی قرار داد.

أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ. برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی می نویسم.

سؤال چهارم: جدول زیر را کامل کنید:

ماضي	مضارع	نفي مضارع	امر مخاطب	مستقبل	نهى مخاطب
كُتِبَ					
فُتِحَتْ					
عَلِمُوا					
صَرَخَ					
ظَلَمْتُمْ					
نَظَرُوا					

سؤال پنجم: أكمل الفراغات التالية:

۱- تلاميذ مجدّون. (اسم اشاره به نزدیک)

۲-الكتب لصديقي. (اسم اشاره به دور)

۳-تكتبين التمارين. (ضمير مناسب)

۴- إذهبوا الى الحديقة العامة. (أنتم ، هم ، أنت)

۵- يخرجون من المدرسة. (أنتنّ ، هنّ ، أنتم)

۶- كتبت على اللوح. (آية ، آية ، آية)

۷- شريحت لئا درساً جديداً. (المعلم، المعلمة، المعلمة)

۸- الله بالعباد. (بصير، بصيراً، بصير)

۹- رجعت أختي من (السفر، السفر، السفر)

سؤال ششم : با توجه به عبارت های زیر جدول را کامل کنید.

نصبت وجهي الى الله.

خلق الله الانسان.

الله على كل شيء قدير.

الحمد لله رب العالمين.

شاهد علي صديقه في الصف.

فاعل	مفعول	مبتدا	خبر	مجرور به حرف جر

سؤال هفتم: فعل های زیر را تحليل صرفی کنید:

مثال: يكتب: فعل مضارع ، للغائب / يؤمنون: اسم، جمع سالم للمذكر

إجلسوا: تفتحن: سنعلم: تخرجين: فتن: علمتن: مسلمين: علوم

الايمن: مساكين: أشجار: مدرستين: خاشعان

الدرس الثاني

کلمات و اصطلاحات مهم:

أَسْلَمْتُ: اسلام آوردم ، مسلمان شدم، فعل ماضی ثلاثی مزید از باب إفعال/ماشاهدت: ندیدم ، فعل ماضی ثلاثی مزید از باب مفاعلة/ کَلَمْتُ: صحبت کردم، فعل ماضی ثلاثی مزید از باب تفعیل ، مترادف تَحَدَّثْتُ/ لا تَسْمَحُ: اجازه نمی دهد، فعل مضارع ثلاثی مجرد از «سمح»/الرَّعَايَة: مراقبت ، نگهداری/ تَسَاعَدُنِي: به من کمک می کنی، فعل مضارع ثلاثی مزید از باب مفاعلة/نَفَدَ: تمام شد، مترادف «تَمَّ»/أَعَاهَدُ: عهد می کنم، قول می دهم، فعل مضارع متکلم وحده از باب مفاعلة/لَا بَأْسَ: عیبی ندارد، اشکالی ندارد/عَجُوزٌ: پیرمرد ، پیرزن/ لَا أَقْدَرُ: نمی توانم، فعل مضارع ثلاثی مجرد مترادف «لَا أَسْتَطِيعُ»/جَزِيلٌ: فراوان، مترادف «كَثِيرٌ»/صَدَّقَ: باور کرد ، تأیید کرد ، أ تَصَدَّقُ: آیا باور می کنی ؟ فعل ثلاثی مزید از باب تفعیل مصدر «تَصَدِيقٌ» ، صَدَّقَ: فعل ثلاثی مجرد: راست گفت/قَرَبَ مِنْ... نزدیک شد ، مترادف «إِقْتَرَبَ»: طَرَقَ الباب: در زد، به در کوبید، مترادف «قَرَعَ الباب» و «دَقَّ الباب»/ تَفَضَّلْ: فعل امر ثلاثی مزید، بفرما

ترجمه فارسی را کامل کنید:

خدایا مدتی است که ولی با مادرم در این باره او اجازه نمی دهد نیازمند است .

..... ؟ آیا به ؟!

شبی

مادر جان ! من مشتاق (ص) هستم.

چگونه بر صبر کنم! من نمی توانم ... !

ولی پیش از غروب خورشید به تو

ولی من پیش از غروب خورشید

ای مادر

در راه

چگونه این نعمت را؟!؟

..... من در خدمت هستم!

آیا ای اویس ! آیا؟

اویس به شهر پیامبر(ص)! چه سعادت!

و در شهر

..... خانه پیامبر(ص) ؟

آه پایان !.....

..... ببخشید، دوست من! محبوبم رسول خدا(ص)

.....

نه !.....

او به سفر کرده است ، بعد از مدت کمی.....

این مسافت را برای دیدار دوستم مادرم؟!؟

..... بر روی زمین نشست . به آسمان از جای

وفای به عهد.

اویس با از جایش و به یارپیامبر گفت:! مادرم

سلام مرا را به محبوبم وشهر را

پیامبر (ص) از

همانا من را از یمن ! از سمت «قرن»

و چند سال بعد اویس در جنگ صفین در حالی که پس شهید بر

ای اویس شهادت.....

*به فارسی روان ترجمه کنید.

۱ - عَاهِدَ أُوَيْسَ أُمَّهُ بِالرَّجُوعِ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.

۲ - لَقَدْ نَفَذَ صَبْرَهُ، هُوَ مُشْتَاقٌ لَزِيَارَةِ النَّبِيِّ.

۳ - لَا تَسْمَحْ وَالِدَتَهُ بِالذَّهَابِ إِلَى السَّفَرِ.

- ۴- امّه عجوز . هي محتاجة الى الرعاية.
- ۵- نهضت من مكاني حزناً و تركت المدرسة.
- ۶- كان الطفل قلقاً. فقد أمّه في الشارع.
- ۷- إني لأجد نفس الرّحمان من جانب اليمن.
- ۸- تفوح رائحة الجنّة من قبل قرن.

** عین الترجمة الصحيحة:

- ۱- سنرجع قبل غروب الشمس نُعاهدكم.
- الف: قبل از غروب خورشید برخوایم گشت به توقول می دهم. □
- ب: پیش از غروب خورشید برخوایم گشت به شما قول می دهیم. □
- ۲- کَلِم والدتك في هذا الموضوع.
- با مادرت در باره ی این موضوع صحبت کن. □
- ب: با مادرش در باره ی این موضوع صحبت کرد. □

**صحّح الاخطاء في الترجمة. غلط های ترجمه ای را درست کنید.

- ۱- هؤلاء وجدوا السعادة في مساعدة الآخرين. آنان خوشبختی را در کمک به دیگران می یابند.
- ۲- المؤمنون يجاهدون بأموالهم و أنفسهم في سبيل الله. مؤمنان با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند.
- ۳- اللهم نَوِّرْ قلوبنا بنور الايمان اليقين. خداوند دل ما را به نور ایمان و یقین روشن کرد.
- ۴- أرسل رجل ولده الى خارج المدينة لكسب التجارب. مردی فرزند را برای به دست آوردن تجربه به شهر می فرستد.
- ۵- لماذا أتحمّل المشقّة؟ چرا سختی ها را تحمّل کردم؟
- ۶- يا بُنَيَّ لقد أخطأت إني قصدت لك حياة كريمة. فرزندم اشتباه می کنی . من برای او زندگی شرافتمندانه ای می خواهم.
- ۷- غَيَّرْتُ نظرتي حول أصدقائي. دیدگاهم پیرامون دوستم تغییر یافت.

قواعد درس

فعل را به اعتبار حروف اصلی به دو دسته تقسیم می کنند:

ثلاثی(سه حرفی) رباعی (چهار حرفی)

ثلاثی: فعلی است که ریشه ی آن از سه حرف تشکیل می شود و به دو نوع زیر تقسیم می شود:

۱- ثلاثی مجرد: فعلی است که صیغه ی اول ماضی آن فقط از سه حرف اصلی تشکیل می شود. به عبارت دیگر صیغه اول ماضی ، همان ریشه ی فعل است.

مانند: خرجتم ، تنصرون ، إفتحوا که اولین صیغه ی ماضی آن ها « خرج ، نصر ، فتح » می باشد. وزن ماضی و مضارع فعل های ثلاثی مجرد عبارتند از:

ماضی: فَعَلَ ، فَعِلَ ، فَعُلَ مضارع: يَفْعُلُ ، يَفْعِلُ ، يَفْعُلُ

وزن ماضی و مضارع و مصدر فعل های ثلاثی مجرد سماعی است. (قاعده ی خاصی برای ساخت آن ها وجود ندارد.)

برای مثال فعل های « فَتَحَ ، جَلَسَ ، كَتَبَ » با این که وزن ماضی آن ها یکسان است ، مضارع و مصدر آن ها وزن یکسان ندارد.

۲- ثلاثی مزید: فعلی است که صیغه ی اول ماضی آن علاوه بر سه حرف اصلی حرف یا حروفی اضافه دارد.

مانند: أَخْرَجْتُمْ ، تَعَلَّمُونَ ، جَاهِدُوا که صیغه ی اول ماضی آن ها «أَخْرَجَ ، عَلَّمَ ، جَاهَدَ» می باشد. وزن های ثلاثی مزید در ماضی و مضارع و مصدر قیاسی است. (طبق قاعده ساخته می شود.)

بابهای ثلاثی مزیدی که صیغه ی اول ماضی آن ها یک حرف زائد دارد، عبارتند از: باب إفعال ، باب تفعیل ، باب مُفاعلة

باب	صیغه ی اول ماضی	صیغه ی اول مضارع	صیغه ی اول امر	مصدر	حروف اصلی	حرف زائد
إفعال	أَفْعَلْ أَكْرَمَ: گرامی داشت	يُفْعِلُ يُكْرِمُ: گرامی می دارد	أَفْعِلْ أَكْرِمْ: گرامی بدار	إفعال إكرام: گرامی داشتن	ف ع ل ك ر م	أ أ
تفعیل	فَعَّلْ عَلَّمَ: یاد داد	يُفْعِلُ يُعَلِّمُ: یاد می دهد	فَعَّلْ عَلَّمَ: یاد بده	تفعیل تعليم: یاد دادن	ف ع ل ع ل م	تکرار «ع» تکرار «ل»
مُفاعلة	فَاعَلَ جَاهَدَ: جهاد کرد	يُفَاعِلُ يُجَاهِدُ: جهاد می کند	فَاعِلْ جَاهِدْ: جهاد کن	مُفاعلة مُجاهدة: جهاد کردن	ف ع ل ج ه د	ا ا

چند نکته :

۱- باب های افعال و تفعیل غالباً برای متعدی کردن فعل لازم به کار می روند. اگر فعل به مفعول نیاز نداشته باشد وقتی که به این بابها به کار برود به مفعول نیاز پیدا می کند.
 نزل القرآن. قرآن نازل شد. (فعل لازم) أنزل (نَزَلَ) الله القرآن. خداوند قرآن را نازل کرد. (فعل متعدی)

۲- مصدر باب مفاعلة گاهی بر وزن « فِعال » می باشد. مُدَافَعَة ، مُنَازَعَة ، مُخَالَفَة ----- دِفَاع ، نِزَاع ، خِلَاف

۳- در باب مفاعلة مشارکت وجود دارد. جَاهِدِ الْكُفَّارَ. با کافران جهاد کن.

۴- حرف مضارع در باب های افعال و تفعیل و مفاعلة همیشه ضمه درد.

۵- فعل هایی مانند : «أَخْرِجُوا ، سَلِّمْنَ ، جَاهِدَا» که حرکت عین الفعل آن ها کسره است فعل امر و فعل هایی مانند : «أَخْرِجُوا ، سَلِّمْنَ ، جَاهِدَا» که حرکت عین الفعل آن ها فتحه است فعل ماضی هستند.

۶- صرف فعل ماضی، مضارع و امر در فعل های ثلاثی مزید مانند ثلاثی مجرد است.

باب افعال			باب تفعیل			باب مفاعلة		
صیغه	ماضی	مضارع	امر	ماضی	مضارع	امر	ماضی	مضارع
لِلغَائِبِ	أَكْرَمَ	يُكْرِمُ		عَلَّمَ	يُعَلِّمُ		جَاهَدَ	يُجَاهِدُ
لِلغَائِبِينَ	أَكْرَمَا	يُكْرِمَانِ		عَلَّمَا	يُعَلِّمَانِ		جَاهَدَا	يُجَاهِدَانِ
لِلغَائِبِينَ	أَكْرَمُوا	يُكْرِمُونَ		عَلَّمُوا	يُعَلِّمُونَ		جَاهَدُوا	يُجَاهِدُونَ
لِلغَائِبَةِ	أَكْرَمْتُ	تُكْرِمُ		عَلَّمْتُ	تُعَلِّمُ		جَاهَدْتُ	تُجَاهِدُ
لِلغَائِبَتَيْنِ	أَكْرَمْتَا	تُكْرِمَانِ		عَلَّمْتَا	تُعَلِّمَانِ		جَاهَدْتَا	تُجَاهِدَانِ
لِلغَائِبَاتِ	أَكْرَمْنَ	يُكْرِمْنَ		عَلَّمْنَ	يُعَلِّمْنَ		جَاهَدْنَ	يُجَاهِدْنَ
لِلْمَخَاطَبِ	أَكْرَمْتُ	تُكْرِمُ	أَكْرِمُ	عَلَّمْتُ	تُعَلِّمُ	عَلِّمُ	جَاهَدْتُ	تُجَاهِدُ
لِلْمَخَاطِبِينَ	أَكْرَمْتُمَا	تُكْرِمَانِ	أَكْرِمَا	عَلَّمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	عَلَّمَا	جَاهَدْتُمَا	تُجَاهِدَانِ
لِلْمَخَاطِبِينَ	أَكْرَمْتُمْ	تُكْرِمُونَ	أَكْرِمُوا	عَلَّمْتُمْ	تُعَلِّمُونَ	عَلَّمُوا	جَاهَدْتُمْ	تُجَاهِدُونَ
لِلْمَخَاطِبَةِ	أَكْرَمْتُ	تُكْرِمِينَ	أَكْرِمِي	عَلَّمْتُ	تُعَلِّمِينَ	عَلِّمِي	جَاهَدْتِ	تُجَاهِدِينَ
لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	أَكْرَمْتُمَا	تُكْرِمَانِ	أَكْرِمَا	عَلَّمْتُمَا	تُعَلِّمَانِ	عَلَّمَا	جَاهَدْتُمَا	تُجَاهِدَانِ
لِلْمَخَاطِبَاتِ	أَكْرَمْنِ	تُكْرِمْنَ	أَكْرِمْنَ	عَلَّمْنِ	تُعَلِّمْنَ	عَلَّمْنَ	جَاهَدْنِ	تُجَاهِدْنَ
لِلْمُتَكَلِّمِ	أَكْرَمْتُ	أَكْرِمُ		عَلَّمْتُ	أُعَلِّمُ		جَاهَدْتُ	أُجَاهِدُ

وحده للمتكلم مع الغير	أَكْرَمْنَا	نُكْرِمُ	عَلَّمْنَا	نُعَلِّمُ	جَاهَدْنَا	نُجَاهِدُ	
-----------------------------	-------------	----------	------------	-----------	------------	-----------	--

تمرین اول:

فعل «سلم» را به باب های افعال ، تفعیل و مفاعله برده ، ماضی ، مضارع و امر آن ها را در جدولی مانند جدول بالا نوشته و چند بار تکرار کنید.

تمرین دوم:

فعل های ثلاثی مزید متن درس را استخراج کرده ، باب و مصدر هر یک را در جدولی بنویسید.

مثال: أَسْلَمْتُ : فعل ماضی ، باب افعال ، مصدر «إسلام»

تمرین سوم: عین الافعال المزیدة و اذکر مصدرها.

- غَيَّرْتُ نظرتي حول الحياة.

- أَيْمَنَ هل تُصَدِّق؟

- كَلَّمْنَا معلِّمًا حول الدرس الجديد.

- المؤمنون يُدافعون عن وطنهم.

- إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم.

- أكرموا أولادكم.

تمرین چهارم : أكمل الجدول التالي.

ماضی	مضارع	امر مخاطب	مصدر
.....	يُسَلِّمُ		
جاهدوا			مُجَاهِدَة
.....	أُعَاهِدُ		
.....		أَكْرِمِي	
أَخْرَجْتُمْ			

تمرین پنجم: اكتب الفعل و الصيغة المناسبة:

مضارع للمخاطبين:	امر للمخاطبات:	«أصلَح»: ماضٍ للمخاطبة
مضارع للغائبات:	امر للمخاطبة:	«قَدَّمَ»: ماضٍ للمخاطبين:
مضارع للمخاطبة:	امر للمخاطبين:	«جَالَسَ»: ماضٍ للمتكلم مع الغير:

تمرین ششم: فعل های زیر را تحلیل صرفی کنید:

يُسَلِّمُونَ: / فَتَحْتُمْ:
جاهدوا: / أصْلَحْتُمَا:
أَجْلَسِي:

تمرین هفتم: للإعراب (نقش كلمات مشخص شده را بنویسید.)

۱ - أُوَيْسٌ جَلَسَ عَلَى الْأَرْضِ وَ نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ.

۲ - أَطْلَبُ زِيَارَةَ حَبِيبِي.

۳ - قَرَبَ أُوَيْسٌ مِنْ مَدِينَةِ النَّبِيِّ.

۴ - وَالِدَتِي عَجُوزٌ وَ مُحْتَاجَةٌ إِلَى الرَّعَايَةِ.

الدرس الثالث:

كلمات و اصطلاحات مهم:

المثالي: نمومه / رخيص: ارزان ، متضاد «باهظ»/ البسة: لباس ها ج «لباس» ، مترادف «أثواب»/ أحذية: كفش ها ج «حذاء»/ أئيفة: زيبا ، شيك مترادف «جميل» / أسرعوا : بشتابيد ، فعل امر ثلاثي مزيد در باب إفعال ، مترادف «عجلوا»/ الثمن : قيمت ، بها ، مترادف «القيمة»/ الصحيفه: روزنامه ج «الصحف»/ المسائية: عصر/ بائع الصحف: فروشنده روزنامه ها ، روزنامه فروش/ يهريون: فرار مي کنند مترادف «يفرون»/ يتكاسلون: تنبلي مي کنند، فعل مضارع ثلاثي مزيد از باب تفاعل/ ما لك: تو را چه مي شود/ تتأمل : فكر مي كني ، درنگ مي كني ، فعل مضارع ثلاثي مزيد از باب تفاعل/ مُحرقَة : سوزان / لا ادري: نمي دانم، مترادف « لا أعلم ، لا أعرف»/ معاً: با هم ، متضاد «وحد»/ إستيقظ: بيدار شد ، فعل ماضى ثلاثي مزيد از باب استفعال/ تَوْضَأُ: وضو گرفت، فعل ماضى ثلاثي مزيد از باب تفاعل/ هَيَّأ: آماده كرد، فعل ماضى ثلاثي مزيد از باب تفعيل مصدر آن «تهيئة»/ غَد: فردا/ السجادة : قالیچه ، قالی/ مَرَحَباً: خوش آمدی مترادف «أهلاً و سهلاً»/ المسرحية: نمايشنامه/ أنشودة: سرود ج «أناشيد»/أسوة: الگو ، نمونه مترادف «المثالي»/ أقبل: (جلو) آمد ، مترادف جاء ، أتى، قَدِمَ/حفاوة: به گرمی/مُصافحة: دست دادن، مصدر باب مفاعلة از فعل «صافح»/عَلَّقَ: آویزان كرد ، فعل ماضى ثلاثي مزيد از باب «تفعيل»/ غُنُق: گردن ، ج «أعناق»/وسام: مدال، نشان/مَنَحَ: بخشيد ، مترادف « وَهَبَ ، أتى، أعطى»/تَنَعَّدُ: برگزار مي شود ، فعل مضارع ثلاثي مزيد از باب إنفعال/جُنود: سپاهيان ج «جُند»/ الأحرار: آزادگان ج «الحُر» /حُسن الاستماع: خوب گوش دادن/ حسن الحديث: خوب سخن گفتن

* به فارسی روان ترجمه کنید:

- لانتخبُ الالبسة الباهظة.
- لماذا يشتغل هذا التلميذ ببيع الصحف؟
- لماذا تشتغلُ ببيع الصحف؟ أليس لك درس؟
- بائع الصحف تلميذ في مدرستنا.
- بني ! إنَّ غداً موعد تسليم السجادة لصاحبها.
- بعد الصلاة هيأت نفسي للذهاب.
- ولدي نحن إشتبهنا في الحقيقة نحن نتكاسل.
- إجتماعنا لتكريم تلميذ مثالي . هو أسوة.
- إستقبلني المدير و منحني جائزة.

- صافحتُ صديقتي و منحتها جائزة.

- صافحنا المدير و منَحنا جوائز.

*عَيِّن الترجمة الصحيحة:

أَسْتَيْقِظُ قبل طلوع الفجر و أَتَوَضَّأُ.

الف: پیش از طلوع خورشید برخاست و وضو گرفت. □

ب: پیش از طلوع سپیده بیدار می شوم و وضو می گیرم. □

سَتَتَعَدُّ الحفلة لتعيين التلميذ المثالي.

الف: جشن برای مشخص کردن دانش آموز نمونه برگزار خواهد شد. □

ب: جشنی برای مشخص شدن دانش آموز نمونه برگزار می شد. □

جاهدوا في سبيل الله بأموالكم و أنفسكم.

در راه خدا با مال ها و جان هایشان جهاد کردند. □

در راه خدا با مال ها و جان هایتان جهاد کنید. □

*غلط ها را در ترجمه فارسی درست کنید.

سمع الغزال الصغير كلام الاسد و الذئب. آهوی یزرگ سخن شیر و رویاه را می شنود.

نحن تحمَلنا صعوبة الحياة بين هذه الوحوش. ما سختی زندگی را بین آن حیوانات وحشی تحمَل می کنیم.

قواعد

ادامه ی باب های ثلاثی مزید

باب های ثلاثی مزیدی که ۲ حرف زائد دارند عبارتند از:

باب تَفَعَّلَ باب تَفَاعَلَ باب اِفْتَعَلَ باب اِنْفَعَلَ

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف اصلی	حروف زائد
تَفَعَّلَ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	ف ع ل	ت - تکرار عین
	تَعَلَّمَ : یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد	تَعَلَّمْ : یادگیر	تَعَلُّمٌ : یادگرفتن	ع ل م	ت - تکرار لام
تَفَاعَلَ	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ	ف ع ل	ت - ا

	تَوَاضَعٌ : تواضع	يَتَوَاضَعُ : تواضع می کند	تَوَاضَعُ : تواضع کن	تَوَاضَعُ : تواضع کردن	و ض ع	ت - ا
إِفْتَعَلَ	إِكْتَسَبَ : به دست آورد	يَكْتَسِبُ : به دست می آورد	إِفْتَعَلَ	إِكْتَسَبَ : به دست بیاورد	ف ع ل ك س ب	إ - ت إ - ت
إِنْفَعَلَ	إِنْصَرَفَ : برگشت	يَنْصَرِفُ : برمی گردد	إِنْفَعَلَ	إِنْصَرَفَ : برگرد	ف ع ل ص ر ف	إ - ن إ - ن

چند نکته:

- ۱- فعل های باب های «تَفَعَّلَ و افْتَعَلَ» غالباً لازم هستند. (به مفعول نیاز ندارند)
 - ۲- تمام فعل های باب «إِنْفَعَلَ» لازم هستند.
 - ۳- فعل هایی مانند «إِنْتَشَرَ ، إِنْخَبَ ، إِنْقَمَ و ...» که حرف «ن» جزء حروف اصلی آن هاست در باب افتعال هستند.
 - ۴- بعضی از صیغه های ماضی و امر باب های «تَفَعَّلَ» و «تَفَاعَلَ» به دلیل این که حرکت عین الفعل آن ها در مضارع مفتوح است یک شکل دارند.
- تَعَلَّمُوا: ماضٍ لِلْغَائِبِينَ / امرٌ لِلْمَخَاطِبِينَ / تَوَاضَعَنْ: ماضٍ لِلْغَائِبَاتِ / امرٌ لِلْمَخَاطِبَاتِ

صرف فعل در باب های تَفَعَّلَ ، تَفَاعَلَ ، إِفْتَعَلَ ، اِنْفَعَلَ

باب تفاعل		باب تفعّل					
صیغه	ماضی	مضارع	امر	ماضی	مضارع	امر	باب تفاعل
لِلْغَائِبِ	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ		تَوَاضَعُ	يَتَوَاضَعُ		تَوَاضَعُ
لِلْغَائِبِينَ	تَعَلَّمَا	يَتَعَلَّمَانِ		تَوَاضَعَا	يَتَوَاضَعَانِ		تَوَاضَعَانِ
لِلْغَائِبِينَ	تَعَلَّمُوا	يَتَعَلَّمُونَ		تَوَاضَعُوا	يَتَوَاضَعُونَ		تَوَاضَعُونَ
لِلْغَائِبَةِ	تَعَلَّمَتْ	تَتَعَلَّمُ		تَوَاضَعَتْ	تَتَوَاضَعُ		تَتَوَاضَعُ
لِلْغَائِبَتَيْنِ	تَعَلَّمَتَا	تَتَعَلَّمَانِ		تَوَاضَعَتَا	تَتَوَاضَعَانِ		تَتَوَاضَعَانِ
لِلْغَائِبَاتِ	تَعَلَّمْنَ	يَتَعَلَّمْنَ		تَوَاضَعْنَ	يَتَوَاضَعْنَ		يَتَوَاضَعْنَ
لِلْمَخَاطِبِ	تَعَلَّمْتَ	تَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمْ	تَوَاضَعْتَ	تَتَوَاضَعُ	تَوَاضَعْ	تَوَاضَعْ
لِلْمَخَاطِبِينَ	تَعَلَّمْتُمَا	تَتَعَلَّمَانِ	تَعَلَّمَا	تَوَاضَعْتُمَا	تَتَوَاضَعَانِ	تَوَاضَعَا	تَوَاضَعَا
لِلْمَخَاطِبِينَ	تَعَلَّمْتُمْ	تَتَعَلَّمُونَ	تَعَلَّمُوا	تَوَاضَعْتُمْ	تَتَوَاضَعُونَ	تَوَاضَعُوا	تَوَاضَعُوا

للمخاطبة	تَعَلَّمَتِ	تَتَعَلَّمِينَ	تَعَلَّمِي	تَوَاضَعَتِ	تَتَوَاضَعِينَ	تَوَاضَعِي
للمخاطبتين	تَعَلَّمْتُمَا	تَتَعَلَّمَانِ	تَعَلَّمَا	تَوَاضَعْتُمَا	تَتَوَاضَعَانِ	تَوَاضَعَا
للمخاطبات	تَعَلَّمْنَنَّ	تَتَعَلَّمْنَ	تَعَلَّمْنَ	تَوَاضَعْتُنَّ	تَتَوَاضَعْنَ	تَوَاضَعْنَ
للمتكلم وحده	تَعَلَّمْتُ	أَتَعَلَّمُ		تَوَاضَعْتُ	أَتَوَاضَعُ	
للمتكلم مع الغير	تَعَلَّمْنَا	نَتَعَلَّمُ		تَوَاضَعْنَا	نَتَوَاضَعُ	

باب افتعال		باب انفعال	
صيغته	ماضي	مضارع	امر
للمخاطبة	اِكْتَسَبَتْ	تَكْتَسِبُ	اِكْتَسِبِي
للمخاطبتين	اِكْتَسَبْتُمَا	تَكْتَسِبَانِ	اِكْتَسِبَا
للمخاطبات	اِكْتَسَبْنَنَّ	تَكْتَسِبْنَ	اِكْتَسِبْنَ
للمتكلم وحده	اِكْتَسَبْتُ	أَكْتَسِبُ	
للمتكلم مع الغير	اِكْتَسَبْنَا	نَكْتَسِبُ	
للمخاطبة	اِكْتَسَبَتْ	تَكْتَسِبُ	اِكْتَسِبِي
للمخاطبتين	اِكْتَسَبْتُمَا	تَكْتَسِبَانِ	اِكْتَسِبَا
للمخاطبات	اِكْتَسَبْنَنَّ	تَكْتَسِبْنَ	اِكْتَسِبْنَ
للمتكلم وحده	اِكْتَسَبْتُ	أَكْتَسِبُ	
للمتكلم مع الغير	اِكْتَسَبْنَا	نَكْتَسِبُ	
للمخاطبة	اِكْتَسَبَتْ	تَكْتَسِبُ	اِكْتَسِبِي
للمخاطبتين	اِكْتَسَبْتُمَا	تَكْتَسِبَانِ	اِكْتَسِبَا
للمخاطبات	اِكْتَسَبْنَنَّ	تَكْتَسِبْنَ	اِكْتَسِبْنَ
للمتكلم وحده	اِكْتَسَبْتُ	أَكْتَسِبُ	
للمتكلم مع الغير	اِكْتَسَبْنَا	نَكْتَسِبُ	
للمخاطبة	اِكْتَسَبَتْ	تَكْتَسِبُ	اِكْتَسِبِي
للمخاطبتين	اِكْتَسَبْتُمَا	تَكْتَسِبَانِ	اِكْتَسِبَا
للمخاطبات	اِكْتَسَبْنَنَّ	تَكْتَسِبْنَ	اِكْتَسِبْنَ
للمتكلم وحده	اِكْتَسَبْتُ	أَكْتَسِبُ	
للمتكلم مع الغير	اِكْتَسَبْنَا	نَكْتَسِبُ	

باب استفعال دارای سه حرف زائد است:

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف اصلی	حروف زائد
استفعال	إِسْتَفْعَلَ إِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست)	يَسْتَفْعِلُ يَسْتَغْفِرُ (آمرزش می خواهد)	إِسْتَفْعِلْ إِسْتَغْفِرْ (آمرزش بخواه)	استفعال إِسْتِغْفَار (آمرزش خواستن)	ف ع ل غ ف ر	إِس ت إِس ت

باب استفعال معمولاً برای طلب و درخواست به کار می رود.

فعل های باب استفعال غالباً متعدی هستند. (به مفعول نیاز دارند.)

صرف فعل « غفر » در باب استفعال

صیغه	ماضی	مضارع	امر
لِلغَائِبِ	إِسْتَغْفَرَ	يَسْتَغْفِرُ	
لِلغَائِبِينَ	إِسْتَغْفَرَا	يَسْتَغْفِرَانِ	
لِلغَائِبِينَ	إِسْتَغْفَرُوا	يَسْتَغْفِرُونَ	
لِلغَائِبَةِ	إِسْتَغْفَرَتْ	تَسْتَغْفِرُ	
لِلغَائِبَتَيْنِ	إِسْتَغْفَرَتَا	تَسْتَغْفِرَانِ	
لِلغَائِبَاتِ	إِسْتَغْفَرْنَ	يَسْتَغْفِرْنَ	
لِلْمَخَاطَبِ	إِسْتَغْفَرْتَ	تَسْتَغْفِرُ	إِسْتَغْفِرْ
لِلْمَخَاطِبِينَ	إِسْتَغْفَرْتُمَا	تَسْتَغْفِرَانِ	إِسْتَغْفِرَا
لِلْمَخَاطِبِينَ	إِسْتَغْفَرْتُمْ	تَسْتَغْفِرُونَ	إِسْتَغْفِرُوا
لِلْمَخَاطِبَةِ	إِسْتَغْفَرْتِ	تَسْتَغْفِرِينَ	إِسْتَغْفِرِي
لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	إِسْتَغْفَرْتُمَا	تَسْتَغْفِرَانِ	إِسْتَغْفِرَا
لِلْمَخَاطِبَاتِ	إِسْتَغْفَرْنَ	تَسْتَغْفِرْنَ	إِسْتَغْفِرْنَ
لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	إِسْتَغْفَرْتُ	أَسْتَغْفِرُ	
لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	إِسْتَغْفَرْنَا	نَسْتَغْفِرُ	

تمرین اول: فعل های ثلاثی مزید متن درس را استخراج کرده ، باب و مصدر هر یک را در جدولی بنویسید.

تمرین دوم : صیغه های خواسته شده را از فعل های زیر بسازید.

تَعَلَّمَ: للغائبة: للمخاطبين: للغائبات: للمتکلم مع الغير:
يستغفر: للمخاطبة: للمخاطبين: للغائبة: للمتکلم وحده:
إنعقد: للمخاطبة: للمخاطبات: للمخاطبين: إجتماع:
للغائبين: للمخاطبة: للمتکلم وحده: للغائبات: تواضع:
للمخاطبين: للمخاطبة: للغائبة: للغائبين: للمخاطبات:

تمرین سوم: للتحليل الصرفي:

تَعَلَّمَ حُسْنَ الاستماع كما تتَعَلَّم حسن الحديث.

تَعَلَّمَ:

حُسْنَ:

الاستماع:

تَتَعَلَّم:

تمرین چهارم: أعرب ما اشير اليها بخط. [نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.]

الولد إنتخب الثوب و ما فکّر في الثمن.

نحنُ تحمّلنا صُعوبة الحياة

غيرُ الولدُ نظرتَه حول الحياة.

الدرس الرابع:

کلمات و اصطلاحات مهم:

مَوَكِب: کاروانة صاحب الجلالة : صاحب جلال و شکوه ، أعلى حضرت/ المَعظم : بزرگ ، اسم مشتق ، اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید در باب تفعیل/إبتعدوا: دور شوید، فعل امر ثلاثی مزید از باب إفتعال مصدر إبتعاد/خَلَّصْنَا: ما را نجات بده ، فعل امر ثلاثی مزید از باب تفعیل مصدر «تَخْلِص»/الطَّاغُوت: سرکش/ زینة: زینت، جلال و شکوه/ لَيْتَ: کاش / مُبَشِّرُونَ: بشارت دهندگان ، اسم مشتق و اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تفعیل»/ مُنْذِرُونَ: بیم دهندگان: اسم فاعل ثلاثی مزید از باب إفعال ، متضاد «مُبَشِّرُونَ/ المَعْرُوف: پسندیده ، اسم مشتق ، اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد / المُنْكَر: ناپسند ، زشت ، اسم مشتق اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید در باب إفعال ، متضاد «المَعْرُوف»/ إدْفَع: بپرداز، فعل امر ثلاثی مجرد/ يَكْنِزُونَ: ذخیره می کنند، می اندوزند/ الذَّهَب: طلا/ الفِضَّة: نقره/أَليم: دردناک/ المُكْذِبِينَ: تکذیب کنندگان: مشتق، اسم فاعل ثلاثی مزید از باب تفعیل/النَّجْدَة : کمک ، مترادف «المُساعدة»/إبتَلَع: بلعید ، فروبرد/الأجیال: نسل ها ج «الجيل»

عبرت

ترجمه ی فارسی را کامل کنید.

- اي مردم قارون در راه است.
- _____ ما را از شرّ اين
- _____ به راستي او آفریده است .
- _____ قارون با
- _____ ثروت قارون !
- _____ ! ثروتي كه لعنت مردم است.....؟ او نسبت به نعمت خدا است.
- _____ به سوى قارون
- _____ آيا نصيحت؟
- _____ نه معلوم است او مرد است .
- _____ برما لازم است ما و هستم . چه ؟
- _____ دستور دادن و باز داشتن از
- _____ اي قارون به فقيران و و
- _____ مؤمن به هستيد ...!
- اي !
- يك دينار..... به آنان آنان فقيرند ...

_ وکسانی که و جمع می کنند و آن را در راه خدا آنان را به بشارت بده .

_ این چیست؟

_ قصرم را

_ شما هستید .

_ به راستی که تو را

چند ماه بعد:

_ که موسی (ع) قارون را به راه حق

_ آری ولی او به دین کافر است .

فرار فرار

_ عاقبت است .

_؟

_ خدا بر قارون عذاب

!.....

اموالم را به

به فقیران

.....

و.....، زمین او را و زینت و و کاخ هاز و قارون عبرتی برای شد.

*به فارسی روان ترجمه کنید:

- إبتعدوا لقد خرج قارون في زينته.

- ما الفائدة في ثروة وراءها لعنة الناس؟

- علينا أداء الواجب و لكنه لايقبل النصيحة.

- إدفع لهم ديناراً من الذهب هم فقراء.

- يُبَشِّرُ الله الذين لاينفقون أموالهم بعذابٍ اليم.

- إبتلعه الارض و ذهبت الزينة و القصور.

- أصبح قارون عبرة للأجيال.

*غلط ها را در ترجمه درست کنید.

- إتك ستشاهد جزاء عملك. قطعاً او سزای کارش را می بیند.

- نحن مبشرون و منذرون. ما بشارت داده شده و بیم داده شده هستیم.
- نساعد المظلومين في كل العالم. به مظلومان در جهان کمک خواهیم کرد.
- العقل مُصلِحُ كلِّ امرٍ. عقل اصلاح شده ی کارهاست.

قواعد

اسم جامد و اسم مشتق

اسم جامد

اسمی است که از فعل ساخته نشده باشد. مانند: رَجُلٌ، اَرْضٌ، شَمْسٌ، سَمَاءٌ و
 نکته: تمام مصدر ها جامد هستند خواه مجرد باشند و خواه مزید. مانند: جُلُوسٌ، ذَهَابٌ، تَعْلِيمٌ، اِنْتِخَابٌ و

اسم مشتق

اسمی است که از فعل ساخته شده باشد. مانند: کَاتِبٌ، مَحْمُودٌ، مَعْبُدٌ، مُعَلِّمٌ که از فعل های کَتَبَ، حَمِدَ، عَبَدَ و عَلَّمَ ساخته شده اند.
 برای تشخیص اسم های جامد و مشتق باید انواع مشتق ها را بشناسیم. اسمی که جزء این مشتق ها قرار نگیرد جامد است.

مشتقات عبارتند از:

- ۱- اسم فاعل
- ۲- اسم مفعول
- ۳- اسم زمان
- ۴- اسم مکان
- ۵- صفت مُشَبَّهه
- ۶- اسم مبالغه
- ۷- اسم تفضیل

۸- اسم آلت (ابزار کار) [ویژه دانش آموزان رشته علوم انسانی]

در این درس به بررسی اسم فاعل و اسم مفعول می پردازیم.

۱- اسم فاعل

انجام دهنده ی کار و یا دارنده ی حالت است مانند: کاتب: نویسنده
مُجاهِد: جهاد کننده
طریقه ی ساخت اسم فاعل:

الف: از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فاعِل» ساخته می شود.

فعل ثلاثی مجرد	اسم فاعل	ترجمه
فَتَحَ	فاتِح	باز کننده
يَقْدِرُ	قادر	توانا
يَنْصُرُ	ناصر	یاری کننده

ب: از فعل ثلاثی مزید به صورت زیر ساخته می شود.

۱- مضارع فعل مزید را به دست می آوریم.

۲- به جای حرف مضارع میم مضموم «مُ» می نویسیم.

۳- حرکت عین الفعل را کسره می دهیم.

فعل مزید	مضارع	اسم فاعل	معنی
أَرْسَلَ	يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده
تَوَاضَعَ	يَتَوَاضَعُ	مُتَوَاضِع	تواضع کننده

اسم فاعل معادل صفت فاعلی زبان فارسی است و معمولاً با پسوند های «_نده ، ا ...» ترجمه می شود.

مُرْسِل : فرستنده عالم: دانا

۲- اسم مفعول

اسمی است که کار بر آن واقع می شود و از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» ساخته می شود.

فعل ثلاثی مجرد	اسم مفعول	ترجمه
فَتَحَ	مفتوح	باز شده
يَكْشِفُ	مَكْشُوف	کشف شده
يَنْصُرُ	مَنْصُور	یاری شده

اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید مانند اسم فاعل آن ساخته می شود . با این تفاوت که در اسم مفعول حرکت عین الفعل **فَتْحَه** می باشد .

فعل مزید	مضارع	اسم مفعول	معنی
أَرْسَلَ	يُرْسِلُ	مُرْسَلٌ	فرستاده شده
إِنْتَخَبَ	يَنْتَخِبُ	مُنْتَخَبٌ	انتخاب شده

اسم مفعول مانند صفت مفعولی زبان فارسی است و معمولاً با کلمه ی « **شده** » ترجمه می شود .
مکتوب: **نوشته شده** منتخَب: **انتخاب شده**

چند نکته:

۱- برای تشخیص جامد یا مشتق بودن اسم های جمع به مفرد آن ها توجه می کنیم.

مثال : حُضَار و وَرَثَة جمع « حَاضِر » و « وَارِث » [اسم فاعل]

مَشَاهِير و مَحَاصِل جمع «مَشْهُور» و «مَحْصُول» [اسم مفعول]

۲- هریک از اسم های فاعل و مفعول به صورت مذکر و مؤنث و مفرد و مثنی و جمع به کار می روند.

اسم فاعل			اسم مفعول		
کاتب	کاتبانِ کاتبین	کاتبون	مظلوم	مظلومانِ مظلومین	مظلومون
کاتبَة	کاتبانِ کاتبین	کاتبات	مظلومین		
			مظلومة	مظلومتانِ مظلومتین	مظلومات

تمرین اول

اسم فاعل و اسم مفعول های متن درس را استخراج کرده و در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

اسم مشتق	نوع مشتق	ترجمه
صاحب	اسم فاعل	دارنده ، دارا
مُعْظَم	اسم مفعول	بزرگ، تعظیم شده

تمرین دوم : در عبارت های زیر مشتقات را مشخص کنید و نوع آن ها را بنویسید.

لا معلوم ... هو رجل مُتَكَبِّرٌ . قارون کافر بدین المرسلین . المُسْتَضعفون ورثة الارض .

بعث الله الانبياء مبشرين و منذرين . صاحبُ الجلالة قارون المُعْظَم في الطريق . المؤمنون لا يتركون الامر

بالمعروف و النهي عن المنكر . الزارعون يحصدون المَحَاصِل في الصيف . المعلمون يُرشدون الطُلاب .

تمرین سوم : جدول زیر را کامل کنید.

فعل	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
يُكشِف				
إِنْتخَبَ				
إِسْتخْرَجَ				
يُفْتَحُ				
عِلِمَ				
عَلَّمَ				
يُرْسِلُ				
بَشَّرَ				

تمرین چهارم: للتحليل الصرفي

مُؤْمِنُونَ:

أَشْجَارٌ:

خَاشِعَاتٌ:

مُرْسَلِينَ:

يُعَلِّمُونَ:

أَرْسَلُوا:

مُعَلِّمَتَانِ:

تَعَالِيمٌ:

تمرین پنجم: للإعراب:

- الدنيا مزرعة الآخرة.

أنتم مؤمنون بدين موسى.

لقد خرج قارون في زينته.

أنزل الله على قارون العذاب.

الانسان مخلوق من التراب.

الدرس الخامس

کلمات و اصطلاحات مهم:

البزازین: پارچه فروشان، مشتق [اسم مبالغه]/ قَمِیص: پیراهن/ آخر: دیگر، مشتق [اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» در اصل «أَخَّر» بوده است]/ الثَّوب: اللباس/ أرْخَص: ارزان تر (مشتق، اسم تفضیل)/ أولى: شایسته تر سزاوارتر (مشتق، اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل»/ الشَّاب: جوان ج الشَّبَاب و الشُّبَّان مترادف «الْفَتَى»/ رَغَبَات: میل ها، خواهش ها ج «رَغْبَة»/ يَشْعُرُ بـ...: احساس می کند/ أَلْحَرَ: گرما، حرارت/ يَتَرَوَّجُ: خنک می کند، باد می زند [فعل مضارع ثلاثی مزید از باب تفعّل]/ الكُم: آستین/ يُجَفِّفُ: خشک می کند [فعل مضارع ثلاثی مزید از باب تفعیل]/ مَشَاهِد: ج مَشْهَد: صحنه ها، منظره ها [مشتق اسم مکان]/ صَوَّرَ: ترسیم کرد/ التَّالِي: آینده، بعد [مشتق، اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرد]/ البُكَاء: گریه [اسم جامد]/ وَاخْزَنَا: چه اندوهی/ بَنَات: دختران ج «بِنْت»/ قِیصر: لقب پادشاه روم، سِزار/ كِسْرَى: خسرو، لقب پادشاهان ساسانی/ السُّنْدُس: نوعی پارچه ابریشمی/ الخَيْل السَّوَابِق: گروه پیشتازان / الخيل: گروه مترادف «الْوَفْد»

ترجمه ی فارسی را کامل کنید.

صحنه هایی از

بازار :

امام علي «سلام بر او باد» همراه به سوی بازار رفت .

..... از انواع ...

آیا..... برای و پیراهنی برای؟

بله ای بفرما . من در

وقتی امیر مؤمنان که او را ، آنجا را و به دکان رفت .

..... برای خودم و برای می خواهم.

بفرما م من در.....؟

امام پیراهنی به و پیراهنی انتخاب کرد .

این و

نه تو به آن تو..... !

نه . تو و داری .

..... امام (ع) برای نماز جمعه

در هنگام خطبه :

.....! نگاه کن ... ! امیر مؤمنان او خودش را با
نه! او خودش را بلکه پیراهنش را او آن را قبل از برای نماز
.....! آیا پیراهن ندارد؟!
.....! داستانی را بعد از مغرب برایت
پس از پدر را برایش
در روزی از روزها:
یکی از : رسول خدا ؟
سلمان:؟! او از دیدار دخترش فاطمه پس سلمان به خانه فاطمه (س) رفت
و
در راه :
وقتی سلمان فاطمه (س) را دید؛
.....! دختران و در پارچه های و و لباس
..... محمد است.
بعد از چند دقیقه (ص)
فاطمه (س): سلمان از لباسهایم
رسول خدا (ص): ای سلمان! به راستی که در است
* به فارسی روان ترجمه کنید.
۱- ذهبنا إلى السوق لانتخاب اللبسة.
۲- أطلب قميصاً لي و قميصاً لهذا الشاب.
۳- ترك الإمام ذلك المكان و ذهب إلى دكان آخر.
۴- ما عرف البائع بأنه أمير المؤمنين.
۵- إنتخب الامام ثوباً بثلاثة دراهم.
۶- أنت شاب و لك رغبات الشاب.
۷- قال الولد: امير المؤمنين يشعر بالحر الشديد.
۸- هو يُجفف قميصه الذي غسله.
۹- معلّمنا صوّر لنا مشاهد من الحياة البسيطة.
۱۰- يا سلمان إنّ ابنتي لفي الخيل السوابق.
* عین الترجمة الصحيحة لما اشیر اليه بخط.
- بدأ سلمان بالبكاء. (ناله، گریه، دلجویی)

- إِنْتَخَبْتُ قَمِيصًا أَرْخَصَ. (ارزان، گران، ارزان تر)
 - هُوَ يَتَرَوَّحُ بِكُمِّهِ. (خنک می شود، خنک می کند، خشک می کند)

متضاد:

البشیر # النذیر	الكافر # المؤمن	النَّاقص # الكامل	المشرق # المغرب
* غلط ها را در ترجمه درست کنید.			
يا رسول الله ! إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنَ الْبِسْتِي.		ای رسول خدا سلمان از لباس من تعجب می کند.	
إِنْتَخَبْنَا الْبِسَةَ مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ.		لباس هایی از نوع خوب انتخاب کردم.	
لَا تَعَجَّبْ سَأَذْكَرُ لَكَ قِصَّةَ عَجِيبَةٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.		تعجب نکن برای تو داستانی بعد از مغرب بیان می کنم.	
بَدَأَ فَتَى ذَكِيٍّ بِالْكَلَامِ نِيَابَةً عَنْ قَوْمِهِ.		جوانی بسیار باهوش به نیابت از یارانش شروع به	
صَحَبْتُ مِی كُنْد.			
اليس في هذا المجلس اكبر منك؟		آیا در آن مجلس بزرگ تر از من نیست؟	
قال الفتى العلامة : قيمة الانسان بعقله.		جوان دانا گفت: ارزش انسان به عقل است.	

* عَيْنَ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ.

الف) قرآن را آموختند زیرا آن سخن خوبی است.
 ب) قرآن را بیاموزید زیرا آن بهترین سخن است.

أَحْسِنُوا تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ.

الف) قرآن را خوب بخوانید زیرا آن سودمندترین سرگذشت است.
 ب) قرآن را بسیار تلاوت کنید زیرا آن بهترین داستان هاست.

قواعد

ادامه ی اسم های مشتق:

۳و۴ اسم زمان و اسم مکان

اسم زمان بر زمان و اسم مکان بر مکان انجام فعل مشخصی دلالت می کند و از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعِل» یا «مَفْعَل» ساخته می شود.

فعل	اسم زمان یا مکان	وزن	معنی
عَبَدَ	مَعْبَد	مَفْعَل	محل عبادت
طَلَعَ	مَطْلَع	مَفْعَل	زمان یا مکان طلوع
جَلَسَ	مَجْلِس	مَفْعِل	محل نشستن

نکات:

- ۱- بعضی از اسم های مکان به «تاء» ختم می شوند. مانند: مَدْرَسَة ، مَحْفَظَة ، مَزْرَعَة و
- ۲- مَكان ، مَطَار ، مَزار ، مَدَار ، مُطَبّ ، مَمَر.... اسم مکان هستند.
- ۳- اسم هایی مانند: بیت ، یوم ، لیل ، صَفّ اسم های جامد هستند. [اسم زمان و مکان نیستند].
- ۴- جمع مکسر اسم های زمان و مکان بر وزن «مفاعِل» ساخته می شوند. مانند: مَنَازِل ، مَسَاجِد ، مَدَارِس و

۵- صفت مشبّهه:

صفت مشبّهه معادل صفت ساده یا مطلق در زبان فارسی است و صفتی است که معمولاً در شخصی یا چیزی به طور ثابت وجود دارد.

وزن های معروف صفت مشبّهه عبارتند از:

فَعِيل: جَمِيل [زیبا] ، شَرِيف [گرانقدر]....

فَعِل: فَرِح [شاد] ، قَلِق [نگران]

فَعَل: سَهْل [آسان] ، صَعْب [سخت]

فَعْلان: غَضَبان [خشمگین] ، جَوَعان [گرسنه]

فَعَل: حَسَن [خوب] ، بَطَل [قهرمان]

فَيْعِل: سَيِّد [سرور] ، طَيِّب [خوب] ، نيكو]

فُعَال: شُجاع

۶- اسم مبالغه:

اسم مبالغه اسمی است که بیان می کند صفتی در شخصی یا چیزی به مقدار زیاد وجود دارد.

تفاوت «غافر» و «غَفَّار» چیست؟

غافر به معنی آمرزنده و غَفَّار به معنی بسیار آمرزنده است. پس می توان گفت اسم مبالغه در معنی مانند اسم فاعل است با این تفاوت که در اسم مبالغه آن صفت به مقدار زیاد وجود دارد.

وزن های معروف اسم مبالغه:

فَعَال: غَفَّار [بسیار آمرزنده] ، عَلَام [بسیار دانا]

فَعَالَة: أَمَّارَة [بسیار امر کننده] ، عَلَامَة [بسیار دانا]

فَعُول: صَبُور [بسیار صبر کننده] ، شَكُور [بسیار شکرگزار]

نکته: «تاء، ة» در آخر وزن «فَعَالَة» نشانه ی مؤنث بودن نیست. رجل عَلَامَة ، إمرأة عَلَامَة توجه داشته باشیم که در ترجمه ی اسم مبالغه از قید «بسیار» استفاده کنیم.

۷- اسم تفضیل:

دو اسم «کبیر» و «أكبر» را چگونه ترجمه می کنید؟

کبیر به معنی «بزرگ» و اکبر به معنی «بزرگتر» و «بزرگترین» می باشد.

به صفت هایی که در زبان عربی بر وزن **أفعل** و **فُعلی** به کار می روند اسم تفضیل می گویند.

اسم تفضیل بر برتری صفتی در شخصی یا چیزی نسبت به شخص یا چیز دیگر دلالت می کند.

مذکر اسم تفضیل بر وزن **أفعل** ساخته می شود. أكبر [بزرگتر ، بزرگترین] أحسن [بهتر ، بهترین]

مؤنث اسم تفضیل بر وزن **فُعلی** ساخته می شود: كُبْرَى [بزرگتر ، بزرگترین] حُسْنَى [بهتر ، بهترین]

بعضی از اسم تفضیل ها: أدنى، أبقى، أولى، أعلى، أعَمّ ، أخصّ ، أشدّ، أجَلّ، آخر....

نکته ۱- دو کلمه ی «خَیر» و «شَرّ» گاهی به صورت اسم تفضیل به کار می روند ولی وزن «أفعل» ندارند.

هذا خَیرُ لک. این برای تو بهتر است. [خیر: مشتق اسم تفضیل]

نکته ی ترجمه ای: اگر به دنبال اسم تفضیل حرف جر «مِنْ» بیاید اسم تفضیل به صورت صفت تفضیلی ترجمه می شود.

علیّ أعلم مِنْ حسن. علی از حسن داناتر است.

ولی اگر بدون «مِنْ» به کار برود معمولاً به صورت صفت عالی ترجمه می شود.

علیّ أعلم التلاميذ. علی داناترین دانش آموزان است.

تمرین اول: عین انواع المشتقات في العبارات التالية:

- رسول الله حزين.
- هذه مشاهد من الحياة البسيطة.
- بعد صلاة المغرب صوّر الوالد المشهد التالي لنا.
- ذهب امير المؤمنين مع أحد أصحابه الى سوق البرّازين.
- عجيب أليس لك قميص آخر؟
- لأرخص لك ... أنت أولى به.
- إنّ النفس لأتارة بالسوء.

تمرین دوم: از فعل های داده شده مشتقات خواسته شده را بسازید.

إحترم: [اسم فاعل] طبّخ: [اسم مكان] جَمَل: [اسم تفضيل]
كَبُر: [صفت مشبّهه] غَفَرَ: [اسم مبالغه] أنكر: [اسم مفعول]
تمرین سوم: للتحليل الصّرفي:

أنا أعرف ماذا أعمل. هو يفرح بزيارة بنته فاطمة.

أعرف: / يفرح:
زيارة: / بنت:

امير المؤمنين يشعر بالحر الشديد.

امير: / المؤمنين:
يشعر: / الحر:

تمرین چهارم: للإعراب:

الإمام ترك المكان. اطلب ثوباً لي. فوهب لي ربي حكماً.